

Review of the Trading Status of Khoy in the Qajar Era

Marzeyeh Alamjan¹

Tahereh Azimzadeh Tehrani²

Mohamad Taghi Emamy khoei³

Ali Reza Rohy MirAbadi⁴

Abstract: Khoy tradingzone as one of the exchange intersections between East and West, has played a significant role in the economic history of Azerbaijan for a long time. Being at the border with Russia and the Ottoman has increased its importance in trading exchanges. Concluding political-commercial conventions among these governments indicates the special commercial status of the area. This paper adopts a descriptive-analytical approach and relies on available data to consider the issue that the trading status of Khoy and needs of Ottoman and Russia for different types of Iranian goods has had a direct impact on jobs and commercial products of the area. In spite of such commercial prosperity, the results indicate the negligence of central government along with Russian and Ottoman intervention, which led to trade downturn in the late Qajar epoch. This study is amid at identifying the causes and factors contributing to the business development of Khoy in the Qajar era.

Keywords: Khoy, trading, Qajar era, Russia, Ottoman

1 Ph.D. Student of Islamic Nations and Civilization, Mashhad Azad University, (Corresponding Author), marzeyehalamjan@yahoo.com

2 Associate Professor at Mashhad Azad University, ta_azim@yahoo.com

3 Associate professor at Azad University of Rey

4 Associate Professor at Razavi Islamic University, dr.rohy@gmail.com

مقدمه

خوی^۱ از دیرباز در تاریخ ایران به خصوص از حیث سیاسی-تجاری جایگاه مهمی داشته است. یکی از علل اهمیت آن در طی قرون، قرار داشتن بر روی یک رشته از راههای کاروان روی شرق و غرب بود که اصطلاح جاده ابریشم به آن اطلاق شده است. با روی کار آمدن نادر شاه، رفت و آمد کاروانهای تجاری از این راه دوباره مورد توجه واقع شد. به تدریج از دوره احمد خان دنبلي (۱۱۶۷-۱۲۰۰ق) و عباس میرزا نایب‌السلطنه (۱۲۴۹-۱۲۱۳ق) خوی به شهر مهم بازارگانی و مرکز مبادلات با اروپا تبدیل و از آبادی و ثروت برخوردار شد. اهمیت اقتصادی تجاری خوی در این دوره به روابط ایران با دولت روس و عثمانی برمی‌گشت. وقتی این رابطه بهبود پیدا می‌کرد، روابط تجاری و اقتصادی نیز بیشتر می‌شد. به علت نزدیکی راههای تجاری از طریق عثمانی به اروپا و یا از طریق قفقاز به روسیه بازارگانان ایرانی علاقه وافری به صدور کالای خود از طریق خوی به آن مناطق داشتند. بنابراین عامل بازارگانی و تجاری به خصوص در بسیاری موارد برجسته‌تر بوده است. تجارت خوی دارای جاذبه‌ها و تأثیراتی بوده است که پیگیری آنها می‌تواند در رونق اقتصاد منطقه مؤثر باشد. مورخان مسلمان و نیز سیاحان و سفرای خارجی در سفرنامه‌های خود گزارش‌های مبسوطی از اوضاع و احوال تجاری خوی در دوره قاجار نگاشته‌اند که در نوع خود قابل توجه هستند. نوشتار حاضر به بررسی جنبه‌هایی از تجارت خوی در دوره قاجار می‌پردازد. اغلب پژوهشگران تنها به بخشی از این دوران توجه داشته و به شکلی مختصر و یا ناقص به مسئله تجارت منطقه پرداخته‌اند. در این میان دامنه مطالب کتاب‌های مرحومان مهدی آفاسی و محمد امین ریاحی بیشتر به بررسی اوضاع سیاسی در این دوره محدود بوده است و همچنین پایان‌نامه رضامه‌یمنی با عنوان «بازار خوی» به راهنمایی دکتر امامی خویی به کار کرد و

۱ ناحیه خوی-جزء ایالت آذربایجان در قرن ۱۳ق. از شمال از طریق نجف‌گران وارد و باد به بلاد روسو از طریق بازید و وان-مکاری به بلاد روم (عثمانی) و از جنوب شرقی به شبستر و از جنوب به سلمان و ارشق به منند محصور می‌شد (جهانگیرمیرزا ۱۳۲۷)، تاریخ نو، تهران: علمی، ص ۱۰۷. در شمال کوه چوککار (چوخرقار) این ناحیه را ازولایت ماکو جدامی کرد. میرزا رضاخان مهندس‌الملک، معلم و متحسن دارالفنون، در سال ۱۳۴۱ق. خوی را یکی از مهم‌ترین شهرهای ایالت آذربایجان دانسته و بیان می‌دارد که حاکم‌نشین خوی به همین نام و توابعش ماکو و قطور است. وی همچنین تقسیمات درونی خوی را ورس، کرس، آوجیق، چالدران، نتور، ماکو، سلمان، دیلمان، چهريق، کهنه شهر، خسروآباد و صدقیان بیان کرده است. (رضاخان مهندس‌الملک ۱۳۴۱)، جغرافیای ایران، ای‌جا: [ای‌نا]، ص ۱۱۷. بنابراین مناطق یاد شده تا اواخر قاجار تحت عنوان یک ولایت اداره می‌شده‌اند.

ساختار بازار خوی از نظر معماری اختصاص دارد. از این رو این مقاله، متفاوت از پژوهش‌های فوق و همسو با هدف تعیین شده، به بازکاوی موقعیت تجاری یک منطقه محلی با حکومت داخلی و دول هم‌جوار، در برهه‌ای خاص پرداخته و به گوشه‌ای از مقولات تاریخ اقتصادی محلی توجه کرده است.

وضعیت اقتصادی خوی در دوران قاجار

۱. نابسامانی اقتصاد خوی در سایه جنگ‌های ایران و روس

تاریخ خوی در دوره قاجاریه به شکلی مصیبت‌بار آغاز شد چرا که در سال ۱۲۱۱ق. اقدامات نظامی آقامحمدخان علیه گرجستان، خوی را به میدان تاخت و تاز قدرت طبلان تبدیل کرد و به دنبال آن جمع کثیری از سکنه آن مهاجرت کردند.^۱ در سال ۱۲۱۳ق. پس از تصرف خوی توسط جعفرقلی خان اموال مردم به دست نیروهای وی غارت گردید و قحطی و گرسنگی بر شهر حکم‌فرما شد.^۲ به دنبال این حوادث فتحعلی‌شاه فرزند دوازده‌ساله خود عباس میرزا را روانه خوی کرد.^۳ ولی آمدن وی با غارت و تخریب سپاهیان افسار گسیخته قاجار مواجه گردید.^۴

در اول شوال سال ۱۲۱۸ با تصرف گنجه به وسیله سیسیانف، سردار روس و کشتار بیرحمانه مردم آن شهر، جنگ‌های ایران و روس آغاز شد. واضح است که در هر جنگی آنان که در مجاورت مرزها زندگی می‌کنند پیش از سایرین در معرض آسیب و نابسامانی قرار می‌گیرند. بنابراین حوادث سیاسی در اقتصاد خوی تأثیر بسیار داشت، چرا که در سال ۱۲۱۶ق. فتحعلی‌شاه از محمودخان دنبلي خواست سالانه ۶۰هزار تومان مالیات خوی را به خزانه پردازد، ولی وی به خاطر خرابی‌هایی که در نتیجه جنگ‌ها به خوی وارد شده بود، نپذیرفت و جواب داد که با این اوضاع خراب جمع‌آوری مالیات به این میزان مقدور نیست.^۵

به دنبال ویرانی‌های ناشی از جنگ ایران و روس، خوی در دوره عباس میرزا سروسامانی

۱ پیر آمده ژوپر (۱۳۴۷)، مسافرت به ارمنستان و ایران، ترجمه محمود مصاحب، تبریز: کتابفروشی سپهر، ص ۱۹۰.

۲ نادر میرزا (۱۳۵۱)، تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، تهران: کتابخانه اقبال، ص ۱۷۸.

۳ عبدالرزاق بیگ مفتون دنبلي (۱۳۵۱)، مأثر السلطانیه، به اهتمام مهدی صدری افشار، تهران: این‌سینا، ص ۵۶.

۴ نادر میرزا، همان، ص ۱۴۹.

۵ محمدامین ریاحی (۱۳۷۲)، تاریخ خوی، تهران: توس، ص ۲۹۴.

یافت. وی که خوی را مقر فرماندهی خود قرار داده بود، به عمران و آبادانی شهر پرداخت. براساس سخن جهانگیر میرزا در تاریخ نو، خوی را عروس شهرهای ایران می‌نامیدند.^۱ بسیاری از اقدامات عباس میرزا در جهت احیای صنعت و کشاورزی بود و در این زمینه او علاوه بر ایجاد کارهای عمرانی، صنایع خوی از جمله ماهوت‌بافی،^۲ توپخانه و صنایع شیشه‌سازی^۳ را تا حدودی احیا نمود. علاوه بر این عده‌ای از شالبافان کرمان را به منطقه کوچ داد تا تجارت را در آنجا رواج دهند، چرا که هدف وی ترقی این محصول در منطقه و نزدیکی به بازار اروپا بود.^۴ گزارش‌های سیاحان در طی سالهای ۱۲۲۸ق. یعنی پس از اتمام دور اول جنگ‌های ایران و روس به جریان داد و ستد در بازار و رونق تجارت و کالاهای بازرگانی مرغوب و تاجر پسند آن اشاره دارد.^۵

بعد از دوره دوم جنگ‌های ایران و روس (۱۲۴۰-۱۲۴۳ق) و انعقاد قرارداد ترکمنچای، روس‌ها برای اینکه ایران را در پرداختن غرامت جنگی زیر فشار قرار دهنده، خوی را به مدت ۱۴ ماه بعد از جنگ به عنوان گروگان در اشغال خود نگه داشتند. آنها در طی این مدت با وعده و وعید ارامنه را برخلاف میلشان وادر به کوچ به رویه کردند.^۶ این کوچ اجباری موجب ویرانی برجسته از روستاهای ارمنی‌نشین خوی و سلماس گردید که مجموع ارمنی‌های مهاجر را شش هزار خانوار نوشتند.^۷ در کنار تهاجمات نظامی باید از بلایای طبیعی مانند وبا نیز یاد کرد که آثار زیانباری بر اقتصاد منطقه گذاشت.^۸

در پی این حوادث و پس از پرداخت غرامت سنگین در سال ۱۲۴۴ق. روس‌ها منطقه را تخلیه کردند که به دنبال آن مستوفیان دیوان ۲۵هزار تومان کسری برآورد کردند و با تخفیف ۱۵هزار تومان درست رقم مالیات به ۷۵هزار تومان رسید و این ارقام کاهش مالیات

^۱ جهانگیرمیرزا، همان، ص ۱۸۸.

^۲ عبدالرزاق بیگ، همان، ص ۱۴۳.

^۳ بهروزنصرییری (۱۳۸۰)، خوی در گذر زمان، خوی: انتشارات قراقوش، ص ۳۱.

^۴ جیمزموریه (۱۳۸۶)، سفرنامه (سفری به ایران، رمنستان و آسیای صغیر)، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات نوس، صص ۳۲۸-۳۲۶.

^۵ مسعودمستوفی انصاری (۱۳۴۹)، تاریخ زندگی عباس میرزا، تهران: انتشارات مستوفی، صص ۹۱-۹۲ و ۹۶-۹۷.

^۶ ریاحی، همان، ص ۳۳۱.

^۷ رضاقی خان هدایت (۱۳۳۹)، روضة الصفا ناصری، ج ۱۰، تهران: خیام، ص ۵۵۴؛ محمد جعفر خورموجی (۱۳۴۴)، حقایق الاخبار، تهران: زوار، ص ۱۲۱.

خوی را بعد از جنگ‌های دور دوم نشان می‌دهد.^۱ در پی نارضایتی مردم منطقه حکومت مرکزی جهانگیر میرزا را با پرداخت ۵هزار تومان مالیات سالیانه بیشتر به جای بهرام میرزا به حکومت انتخاب کرد.^۲ حکومت وی نیز شاهد شورش‌ها و ناامنی‌ها در منطقه توسط اکراد محمودی بود. هرچند با شکست اکراد توسط وی غاییم بی‌شماری نصیب وی گردید، ولی عکس العمل لشکرکشی او این شد که طایفه جلالی که هست و نیست خود را از دست داده بودند، در ولایت قارص جلوی کاروانی که از استانبول به ایران می‌آمد را گرفتند و بیش از سیصد هزار تومان اموال بازارگانی ایران را ربودند.^۳

۲. ثبات در مرکز و رونق در وضعیت اقتصادی خوی

به علت آرامش نسبی و اهمیت اقتصادی خوی در دوره محمد شاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق) و ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) حکام مختلف برای رسیدن به حکومت خوی با هم در رقابت بودند. حتی برخی از آنها برای چندمین بار به حکومت رسیدند که در این زمینه می‌توان به محمدرحیم میرزا و شجاع‌الدوله اشاره نمود.^۴ در سال ۱۲۷۱ق. محمد رحیم میرزا ضیاء‌الدوله که برای چهارمین بار حاکم خوی گردید و حکومت وی تا سال ۱۲۸۲ق. دوام یافت کارهای عمرانی زیادی را از جمله تعمیرات قلعه خوی و خندق دور آن، لزوم تغییر باغ دلگشا و درختکاری خیابان‌های خوی انجام داد.^۵ اکثر جهانگردانی که از خوی دیدن کردند در مورد موقعیت تجاری، رونق کشاورزی، زیبایی بازار و فعالیت سوداگران آن سخن گفته‌اند. حاج سیاح که در زمان حاجی سیف‌الدوله در سال ۱۲۹۹ق. از خوی دیدن کرده بود می‌نویسد: «... خوی شهری ممتاز است که قلعه، خیابان و بازار و دروازه‌اش شطرنجی و متقابل ساخته شده، ... تجارت خوی نیز اجنس طبیعی است: حیوان، پوست، روغن، خشکبار، همچنین فرش...». با این حال در اواخر عصر ناصری، شکوه حکمرانی در خوی کاهش یافت

^۱ جهانگیر میرزا، همان، ص ۱۱۴.

^۲ همان، ص ۱۳۹.

^۳ هدایت، همان، صص ۸۶-۸۷.

^۴ ریاحی، همان، صص ۳۷۱-۳۷۲.

^۵ فرخ بن‌مهری امین‌الدوله (۱۳۴۶)، مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین‌الدوله، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، صص ۱۱۶-۱۱۷.

^۶ حاج سیاح (۱۳۵۶)، خاطرات، به کوشش حمید سیاح، تهران: امیرکبیر، صص ۲۵۹-۲۶۱.

و مدت اشتغال حاکمان نیز کوتاه‌تر گردید.^۱

۳. آشتفتگی‌های پسامشروطه و نابسامانی در اقتصادی خوی

در دوره استبداد صغیر (۱۳۲۷-۱۳۲۴ق) خوی به عنوان یکی از مراکز آزادی خواهی در شرایط جنگ با سپاه ماکو و کردن قرار گرفت. در آن روزها بر اثر ناامنی و مدت‌ها قتل و غارت ماکویی‌ها در روستاهای اطراف، مالیه خوی وضع بدی داشت.^۲ جمع‌آوری مالیات دیوانی و پرداخت مواجح مجاهدان به دشواری ممکن می‌شد. مجاهدان از یک طرف به اداره مالیه و انجمن فشار می‌آوردند و از طرف دیگر از توانگران شهر اخاذی هامی کردند.^۳ به هر حال طبیعی است که در دوره نزاع، وضع مالی شهر چندان خوب نباشد. علی‌الخصوص زمانی که خود شهر تحت تاخت و تاز لشکری خونخوار از کردن قرار بگیرد، بازار و تجارت کسامدی شود و مردم از ترس جان و مال خود در خانه‌ها پناه می‌گیرند و از بیم غارت جرأت تجارت ندارند.^۴ از اوخر سال ۱۳۲۹ق. با اشغال خوی توسط روس‌ها، دوران رکود بازرگانی این شهر دوباره نمایان گردید.^۵ آنها در طی این نه سال اشغال خوی از هیچ ظلمی فروگذار نکردند، بازار را به آتش کشیدند و چندین تن را به هلاکت رساندند.^۶ کاروانسراها و ارگ حکومتی را در اختیار گرفتند.^۷

با خروج روس‌ها شهر خوی دچار بلای دیگری به نام مسیحیان شد، چرا که با تحریک عثمانی‌ها، آندرانیک رهبر ارامنه، خوی را در سال ۱۳۳۶ق. تسخیر کرد. اما زیانی که به اقتصاد شهر وارد شده بود باعث قحطی و گرانی شدید گردید به‌طوری که قیمت گندم که در سال‌های قبل از جنگ جهانی طبق گزارش‌های تلگرافی خرواری ۵۰ تا ۶۰ تومان بود، به خرواری ۹۰ تا ۱۰۰ تومان رسید و شمار کسانی که از گرسنگی جان سپردند از حد گذشت.^۸

۱ احمد کاویان پور (۱۳۴۶)، *تاریخ عمومی آذربایجان*، تهران: مؤسسه انتشارات آسیا، ص ۲۲۳.

۲ عبدالامیر شیخ‌الاسلام (۱۳۵۶)، *دو سند از انقلاب مشروطه*، تهران: توکا، ص ۲۸.

۳ اسناد وزارت مالیه (۱۳۲۸ق)، کارتون ۳۵، پرونده ۴ سند ۶۷۳۷، ۵۵۲۳ م مرکز اسناد وزارت خارجه.

۴ محمد رحیم نصرت ماکویی (۱۳۷۳)، *تاریخ انقلاب آذربایجان و خوابین ماکو*، قم: انتشارات علمیه، صص ۴۶-۴۵.

۵ ادوارد براون (۱۳۵۱)، *نامه‌هایی از تبریز*، ترجمه حسن جوادی، تهران: خوارزمی، ص ۱۴۸.

۶ محمد تمدن (۱۳۵۰)، *اوپاگ ایران در جنگ اول یا تاریخ رضائیه*، تهران: انتشارات مطبوعاتی تمدن، ص ۱۴۳.

۷ ابوالقاسم امین الشرع (بی‌تا)، *خطاطات*، به کوشش علی صدرایی خویی، [بی‌جا]: [بی‌نا]، صص ۱۶۸-۱۶۷.

۸ ادوارد براون، همان، ص ۱۴۸.

۹ تمدن، همان، صص ۱۱۸-۱۲۰.

در زمان امیر امجد حاکم خوی (۱۲۹۷ش/۱۳۳۶ق) در طی شش ماه که خوی در اختیار عثمانی قرار گرفت، دوباره بازار به حالت کساد درآمد که یکی از دلایل آن برگه‌های قائمه بود. دولت عثمانی برای تأمین مخارج جنگ اسکناسی به عنوان قرضهٔ ملی قائمه چاپ کرده به دست سپاهیان می‌داد که در داخلهٔ عثمانی پول رایج بود، اما در خارج از عثمانی ارزشی نداشت. صرافها هر قائمه را به چند قران می‌خریدند و به عثمانی می‌فرستادند که آنجا فروخته شود. ولی عسکرهای عثمانی هر قائمه را پنج تومان حساب کرده و می‌خواستند در معادلات خود با کسبه به همین میزان ارزش آن را دریافت دارند. اندک اندک این مسئله موجب درگیری‌هایی شد. عثمانی‌ها وقتی در ۸ آبان ۱۲۹۷ش/۱۳۳۶ق. منطقه را ترک کردند دست خالی نرفتند. نصرت لشکر از قول عبدالرحمن بیگ مدیر اقتصاد و اموال آنها نقل کرده است که: «۳۵ هزار سماور می‌بریم» و خود بر آن افزوده است که: «این رقم اغراق نیست. مردم آن صفات برای کارکردن به قفقاز می‌رفتند، و در بازگشت سماور و اشیاء برنجی با خود می‌آورندو در هر خانه یکی دو تا پنج سماور بود. آنها همگی نصیب عثمانیها شد».^۱

بنابراین اجبار کردن مسئولین و مردم خوی به تأمین اجباری احتیاجات ارتش عثمانی و عدم پرداخت مبلغی بابت این تسهیلات، خسارات واردہ به زمینهای دولتی و شخصی، مجبور کردن اهالی خوی به خرید پول رایج عثمانی‌ها به نام قائمه آن هم به قیمت بالا و دریافت مالیات‌های نقدی و جنسی را می‌توان بخشی از خسارات واردہ مالی از سوی عثمانی‌ها دانست.^۲ میزان این خسارات به شرح جدول ۱ در زیر است.

جدول ۱. خسارات مالی واردہ به خوی به تومان^۳

| | |
|------------|-----------|
| ۱۵۰۰۰/۰۰۰ | روس‌ها |
| ۱/۵۰۰/۰۰۰ | عثمانی‌ها |
| ۱۶/۵۰۰/۰۰۰ | جمع |

۱ نصرت ماکویی، همان، ص. ۷۲.

۲ مرکز اسناد وزارت خارجه ایران (۱۳۳۷ق)، کارتون ۶۷، پرونده ۱، سند ۴۷، ۵۰ و ۱۱۶.

۳ مرکز اسناد وزارت خارجه ایران (۱۳۳۷ق)، کارتون ۶۷، پرونده ۱، سند ۱۱۱.

با خروج عثمانی از خوی اوضاع رو به بهبود نهاد و امنیتی که لازمه فعالیت‌های اقتصادی بود فراهم شد. اما باز بلایی بر منطقه نازل شد که آرامش را برهم زد و آن فتنه اسماعیل سیمیتو بود. غرب آذربایجان از بهمن ۱۲۹۷ ش. تا مرداد ۱۳۰۱ ش. دچار تاراج و غارت گردید.^۱ چراکه از یک سو رواستاهای اطراف مدام عرصه تاخت و تاز و تاراج افراد آنها بود و اهالی از امام جمعه خوبی استمداد می‌خواستند^۲ و از دگر سو ناامنی و آشوب به زراعت و تجارت و کسب و کار مردم و به طور کلی اقتصاد منطقه لطمehای شدیدی زد. این شرارت‌ها تا سال ۱۳۰۱ ش. به طور مداوم ادامه داشت^۳ تا اینکه دولت وقت با استفاده از ارتضی جدیدی که ساخته بود، به وسیله سرتیپ امان‌الله خان جهانبانی توانست با کشتن وی شر او را دفع کند.^۴

زیرساخت‌های ضروری برای توسعه تجاری خوی

۱. راه‌های خارجی و داخلی خوی در دوره قاجار

عمده‌ترین راه‌های ارتباطی ایران با اروپا در دوره قاجار از طریق خشکی از طرابوزان- خوی به تبریز بود.^۵ به علت نزدیکی راه‌های تجاری از طریق عثمانی به اروپا، بازار گنان ایرانی علاقه وافری به صدور کالای خود از طریق خوی به طرابوزان داشتند.^۶ فهرست منزلهای کاروانی بین طرابوزان و تبریز و مدت مسافت از روی ساعت (مثلاً حرکت یک حیوان باربر در ساعت) توسط کلتل استوارت^۷ در سال ۱۸۳۲ م. چنین آمده است: طرابوزان حویزه یک ساعت، خمس کل^۸، ارداد^۹، گمش خانه^{۱۰}، مرادخان^{۱۱}، کدراک^{۱۲}، بای بورت^{۱۳}، کوپ داغ خان^{۱۴}، آش قلعه^{۱۵}، ایلیچا^{۱۶}، ارزروم^{۱۷}، حسن قلعه^{۱۸}، عمرآکوم^{۱۹}، دلی بابا^{۲۰}، طیار^{۲۱}، ملاسلیمان^{۲۲}، قره گلیسا^{۲۳}، تسلی چای^{۲۴}، دیادین^{۲۵}، قزل دیزه^{۲۶}، آواجیق (مرز ایران)^{۲۷}، فرائینه^{۲۸}، رورووا^{۲۹}،

۱ آرشیو ملی ایران (بی‌تا) ۷۹۴۴/۲۹۵ آلبوم شماره ۱-۶۱۳.

۲ وزارت داخله (۱۲۹۹)، سند شماره ۱۲۹۰۰۵۲۰۸، مورخه برج سنبله ۱۲۹۹ ش، شماره پرونده ۱۴۵ ن ۱۲ آب ۱.

۳ وزارت داخله (۱۳۰۱ ش)، شماره پرونده ۱۴۰۷ ک۴۰۷ آ ۱۱۴، شماره سند ۲۰۰۱۴۸۷۸.

۴ تمدن، همان، ص ۲۱۶.

۵ کالایی که از انگلستان از راه طرابوزان- خوی به مقصد تبریز ارسال می‌شود از راه طرابوزان از ۵۰ تا ۵۵ روز طول می‌کشد و از طریق تفلیس حدود ۸۵ روز به طول می‌انجامد. تجار ترجیح می‌دهند کالای خود را از راه طرابوزان- خوی وارد کنند (چارلز عیسیوی (۱۲۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آزادی، تهران: نشر گسترده، ص ۱۷۶).

۶ آرشیو ملی ایران (۱۳۰۴)، اداره تئاتر افغانی دولت علیه ایران، شماره سند ۷۵۶-۷۶۴.

۷ Colonel Stuart

پره ۶، خوی ۳، سید حاجی ۵، نسیه ۶، دیزاخیل ۷، میانه ۶، تبریز ۳ ساعت و جمعاً^{۱۷۲} ساعت. یا به حساب سه میل در ساعت ۵۱۶ میل. سرهنگ استوارت این مسافت را در سال ۱۸۳۵م.^۱ ۴۹۰ میل محاسبه کرده بود.

کاروان‌های بازرگانی بعد از ورود به خوی از دروازه استانبول خارج می‌شدند و پس از گذشتن از دسته دره، از راه سکمن آباد و آوجیق به طرف وان راه خود را به سوی ارزروم و طرابوزان ادامه می‌دادند.^۲ راه سکمن آباد پررفت و آمدترین راه ارتباطی خوی بوده است که وجود ویرانه‌های کاروانسراه‌ای متعدد در شوریک، قوردیک، قشلاق، پره (فیرورق) و... رونق این مسیر را نشان می‌دهد. از سوی دیگر از خوی به تبریز دو راه بود که یکی از این راه‌ها از راه مرند و صوفیان و دیگری از راه دیزج‌تسوچ و شبستر بود.^۳ و راه دیگری نیز وجود داشت که جلفا را به ارومیه وصل می‌کرد^۴ که این راه نیز از طریق خوی بود.^۵

با این حال اقتصاد تجاری خوی که در ادوار مختلف دچار نوسان بوده است تا دوران قاجار توانسته بود مرکزیت اقتصاد منطقه را به خود اختصاص دهد و این به خاطر قرار گرفتن بر سر شاهراه‌های تجاری شرق به غرب و شمال به جنوب بود.

۲. راهداری خوی در دوره قاجار

به سبب اهمیتی که شهر خوی از نظر اقتصادی در منطقه داشت، تا سال ۱۳۲۲ شمسی مرکز گمرک شمال‌غرب ایران بودو دفاتری در جلفا، بازرگان، قراغینی (چالدران)، سلماس و سرو داشت. همین اهمیت اقتصادی سبب شده بود که خوی نیز مانند شهرهای مهم آن دوره، دارای چندین دروازه^۶ باشد. این دروازه‌ها اهمیت استراتژیک فراوانی برای دفاع از شهر داشتند و از

۱ Colonel Stuart (1854), *Journal of a residence in northern Persia*, London, pp.126-131.

۲ ریاحی، همان، ص ۳۹۷.

۳ محمدعلی جمال‌زاده (۱۳۷۶)، گنج شایگان، تهران: بنیاد موقوفات افشار، صص ۴۶ و ۶۳-۶۷.

۴ راه جلفا و نجف‌آباد به ارومیه از طریق خوی از جلفا به خوی با کاروان ۳ روز، از جلفا به سلماس با کاروان ۵ روز، از جلفا به ارومیه با کاروان از راه صوفیان ۱۰ روز بود. (جمال‌زاده، همان، صص ۶۳-۶۷).

۵ همان، صص ۶۳-۶۷.

۶ آرشیو ملی ایران (۱۳۰۴)، شماره سند ۸-۴۷۲.

۷ دروازه چورس، دروازه شوراب، دروازه استانبول که بعدها دروازه محله نامیده شد و دروازه خیابان که هنوز نام دروازه سنگی باقی است. (عباس ملاعباس‌زاده (۱۳۸۹)، «کوچه‌های قدیم خوی»، مجله خوی تکار، ش. ۶، صص ۲۶-۲۷).

سوی دیگر حکام از این دروازه‌ها درآمد بسیاری کسب می‌نمودند.^۱ اما قیمت (حد وسط) برای واردات راههای خارجی تجاری (از طرابوزان به خوی) اگر براساس عدل باشد ۲۸/۵ تومان هر قنطار ۷۶ منی و اگر براساس صندوق باشد ۵ تا ۶ تومان بیشتر از قیمت عدل برای قنطار بود. اما برای صادرات به ازای هر بار شتر ۸۰ منی ۸ تا ۱۰ تومان اخذ می‌گردید.^۲

بنابراین بازار گانان برای هر عدل به ترتیب زیر حقوق گمرکی می‌پرداختند:

| | |
|-----------------------------------|-----------|
| راهدار لیک در خوی | قران ۳/۱۵ |
| راهدار لیک در هفت چشمه | قران ۳/۱۵ |
| حق گمرکی وارداتی ۲ درصد | قران ۹/۱۲ |
| حقوق گمرکی قدیمی که حالا احیا شده | قران ۵/۰۰ |
| کل ۲۲/۲۰ قران ^۳ | |

اما سندی که به خط سیاق در مورد بودجه خوی و سلاماس در سال ۱۳۱۶ق. در عصر مظفرالدین شاه توسط میرزا محمدخان تحويلدار از منطقه تنظیم شده نشان از موقعیت تجاری خوی در این دوره دارد. چرا که بابت بار تجاری از خوی ۸۴۳ تومان و ۵۶۵۰ دینار و از سلاماس ۸۵۸ تومان و ۵۸۵۰ دینار در همان سال گردآوری شده است.^۴

پس از قرارداد گمرکی ایران و روسیه در سال ۱۳۱۹ق. در زمان مظفرالدین شاه، ژوزف نوز مشهور به مسیونوز^۵ بلژیکی در رأس تشکیلات گمرک ایران قرار گرفت و معاون وی، دکتر کرکر رئیس گمرک خوی بود تا سال ۱۳۲۲ش. که راههای آبی در جنوب کشور رونق نداشت، خوی محل عبور و مرکز واردات و صادرات کالاهای واردہ از کشورهای ترکیه و روسیه و مرکز توزیع داخل کشور بود.^۶ عمومی‌ترین وسیله حمل و نقل که در آن زمان مورد استفاده قرار می‌گرفت شتر بود که

۱ محمدمهریار (۱۳۷۸)، اسناد تصویری شهرهای ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۳۸.

۲ جمالزاده، همان، صص ۴۷، ۴۵، ۱۳۰.

۳ عیسوی، همان، صص ۱۲۱-۱۲۲.

۴ اسدالله عبدالی آشتیانی (۱۳۹۲)، کمیته تخصصی خط سیاق، بازخوانی سند صورت جمع و خرج به خط سیاق در دوره مظفرالدین شاه قاجار ۱۳۱۶م.ق، نشانی: سایت syagh.majmouedar.com.

۵ Joseph Naus.

۶ آرشیو ملی (۱۳۰۴)، اداره تلگرافی دولت علیه ایران، شماره سند ۵۶۴-۱۲۱.

بازرگانان و دیگر مسافران طبعاً شترچی‌ها را برای تجارت خود به خدمت می‌گرفتند و به ندرت مالک چارپایانی بودند که مورد استفاده قرار می‌دادند. در نتیجه، شترچی یکی از بخش‌های عمدۀ نظام تجاری منطقه به حساب می‌آمد.^۱ در این مورد می‌توان از کوچه دوه‌چی‌لر در خوی یاد کرد، این کوچه بین کوچه آقاسی و کوچه توتولو نزدیک جنوب غربی حصار خوی واقع شده است. طایفه‌ای که در قدیم به شغل تجارت و حمل کالا با شتر از طرابوزان به خوی و تبریز اشتغال داشتند، در این کوچه سکونت اختیار کرده بودند.^۲

۳. جایگاه بازار در تجارت خوی

بازار خوی مرکز ثقل اقتصادی و کانون نظام سرمایه است. در بنای بازار خوی، با معماری سنتی، سه بخش عمدۀ را می‌توان مشاهده کرد: گذرگاه‌های اصلی و فرعی (راسته)، مجتمع‌های تجاری دارای انبارها و محله‌ای‌برای سکونت موقت بازارگانان (کاروانسرای خان=خان کاروانسراسی؛ و سرای میرهاشم و چیتساز) و مجتمع‌های تجاری که امکان سکونت نداشته‌اند (تیمچه‌ها). بازار خوی با راسته‌ها، حجره‌ها و چهارسوق‌ها بیش از ۳۰۰ سال قدمت دارد و هنوز نبض اقتصاد شهر و منطقه در آن می‌پید.

علاوه بر آن در بازار خوی، پیشه‌وران به اصناف دسته‌بندی می‌شدند به همین جهت راسته‌های مشتمل بر گذرگاه‌ها و محله‌های مشاغل گوناگون اختصاص یافته بود. در دوره قاجار به دلیل اهمیت تجاری بازار، عباس میرزا و حاکمان خوی به تعمیر و اضافات آن پرداخته‌اند.

استوارت در مورد رونق بازار خوی آنجا را به بازار و کیل شیراز همانند دانسته و از کالاهای گوناگون و فعالیت سوداگران سخن گفته است.^۳ همچنین حاج سیاح در یادداشت‌های خود شهر خوی را شهری غنی و تجاری دانسته است که از رونق بازار و اقتصاد مرphe آن حکایت دارد.^۴

در طول نه سال اشغال روس‌ها، بازار خوی دچار حوادث بسیاری شد که در رونق تجارت منطقه تأثیرگذار بود. سال‌دادات روس در شب ۲۹ صفر سال ۱۳۳۶ق. حتی در موقع

^۱ عیسوی، همان، ص ۱۱۲.

^۲ ملاعباس‌زاده، همان، ص ۱۰.

^۳ ابوالقاسم‌طاهری (۱۳۴۷)، جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران و آذربایجان از نظر جهانگردان، تهران: [ابن‌نا]، ص ۱۳۸.

^۴ حاج سیاح، همان، ص ۲۶۰.

بازگشت به روسیه بازار را غارت کردند صبح آن روز معلوم شد که: «ایپکچی بازار، خرازی بازار، باروتچی بازار، کوزه‌چی بازار، سراج بازار را آتش زده‌اند. کاروانسراها و دکان‌های قپان دبی و میدان نمک و دکان‌های جعفرقلی خان سالم مانده بود». ^۱

۴. جایگاه کاروانسرا در تجارت خوی

تجارت همیشه در خوی نقش بزرگی ایفا می‌کرد. در دوره قاجار بطبق آمارهای اقتصادی دولت عثمانی روزانه سه هزار شتر حامل کالا از طرابوزان به مقصد ایران حرکت می‌کردند و اگر این مقدار نیز از شرق به طرف عثمانی حرکت نماینده، در واقع شهر دارالصفای خوی، روزانه پذیرای شش هزار شتر و شاید انسان‌هایی در این حدود بود. پس برای رفاه حال مسافرانش حمام و کاروانسرا با حجره‌های متعدد لازم داشت که تجار کالاهای خود را به شرکت‌های حمل و نقل (کاروان‌ها) می‌دادند تا توسط شتر حمل شود. از بنای‌های شهر خویکه در درون شهر و در مجموعه بازار قدیمی شهر خوی قرار دارد، کاروانسراخان است که چهل حجره تاجرنشین دارد.^۲ در اوخر قاجار کاروانسراها محل انبار غله از سوی سودجویان برای حمل به عثمانی و یا محل سکونت مردم شکست‌خورده خوی در برابر تهاجمات داخلی و خارجی تلقی می‌شد.^۳ علاوه بر آن در طی اشغال روس‌ها کاروانسراها در اشغال کامل آنها بود.^۴

۵. ضرابخانه خوی در دوره قاجار

خوی در دوره قاجاریه به‌حاطر موقعیت تجاری به داشتن سکه‌های سیم و زر معروف بود. ضرابخانه خوی را جزو شهرهایی نوشته‌اند که سکه‌های زرین و سیمین شاهان قاجار در آن ضرب می‌شده است.^۵ بر روی سکه‌های مضروب خوی نیز لقب دارالصفا نقش بسته بود. از آن جمله سکه نقره‌ای است که در سال ۱۲۷۱ق. در خوی ضرب شده است.^۶ اشاره به این نکته ضروری است که تمام ضرابخانه‌های سطح کشور در این دوره و قبل از آن

۱ امین الشرع، همان، صص ۱۶۷-۱۶۸.

۲ همان، ۱۳۴.

۳ شهریار ضرغام (۱۳۶۹)، گزارش‌های تلگرافی آخرین سالهای عصر ناصرالدین شاه، تهران: انتشارات پوریا، صص ۳۰-۳۱.

۴ ادوارد براون، همان، ص ۱۴۸.

۵ ابوالحسن دیانت (۱۳۶۷)، فرهنگ تاریخی سنجشها و ارزشها، ج ۲، تبریز: انتشارات نیما، ص ۱۰۲.

۶ ریاحی، همان، ص ۳۰۸.

نیز اجازه ضرب همه نوع سکه را نداشتند. برای نمونه سکه‌های طلای آقامحمدخان قاجار در ۱۳ شهر مانند اصفهان، ایروان، تبریز، خوی و... ضرب می‌گردید.^۱ از دوره فتحعلی‌شاه سکه‌های متعدد طلا، نقره و مس ضرب خوی در موزه‌های داخل و خارج کشور ثبت و ضبط شده ولی از دوره سلطنت محمدشاه سکه‌های متعدد ضرب خوی به دست نیامده است.^۲

واپسین کلام اینکه ضرابخانه‌های شهرستان‌ها از جمله خوی تا سال ۱۳۰۶ق. دایر بود. در این سال به دستور ناصرالدین‌شاه تمام ضرابخانه‌های شهرها تعطیل شدند.^۳ متأسفانه از محل ضرابخانه خوی و نحوه اداره کرد آن در دوره قاجاریه اخبار و اطلاعاتی در دست نیست. در دوره مشروطه چون خوی نبض تجارت آذربایجان با روسيه بود، بیشتر تجارت مردم با منات سفید (نقره) یا منات کاغذی بود ولی در کنار منات و پول محلی ایران، پول نقره و طلای عثمانی که اشرفی سفید و اشرفی طلانام داشت، هم در جریان بود. ولی بعد از شکست روسيه و خارج شدن سپاه آن دولت از ایران معاملات مردم منطقه براساس پول طلای عثمانی بود.^۴

جایگاه تجار خوی در دوره قاجار

تجار منطقه نقش بسیار مهمی در حیات اقتصادی خوی ایفا می‌کردند، چرا که موقعیت بازرگانی منطقه سبب شده بود خوی تا دوره قاجار مرکزیت اقتصاد منطقه را به خود اختصاص دهد.^۵ این مرکزیت هم تحت تأثیر دو عامل تجارت و کشاورزی بوده است، چرا که یکی از مشاغل اصلی ساکنان خوی به خاطر قرار گرفتن بر سر شاهراه تجاری معروف ابریشم که غرب و شرق را به هم متصل می‌نمود، شغل تجارت و دادوستد بوده است. بیشتر بازرگانان ایرانی در طرابوزان و استانبول از مردم خوی بودند. در خاطرات افراد مختلف از تجار مشهور خویی در شهرهای طرابوزان، استانبول، باکو، قفقاز و غیره نام برده می‌شود. در مجموعه اسناد فرخ‌خان غفاری می‌بینیم که سه نفر از بزرگ‌ترین بازرگانان استانبول به نام‌های حاج میرزا ابراهیم تاجر خویی، حاج سیدعلی تاجر خویی، حاج حسینعلی تاجر خویی، اهل خوی

۱ محمدمشیری (۱۳۵۱)، سکه‌های آقا محمد خان قاجار و پدرش محمد حسن خان قاجار، تهران: گوتنبرگ، ص. ۱۵.

۲ داریوش شهریاری (۱۳۸۰)، تاریخ سکه (دوره قاجاریه)، تهران: انتشارات پلیکان، ص. ۱۵۱.

۳ ترابی طباطبایی (۱۳۷۱)، سکه‌های ماشینی و مقدمه‌ای بر سکه شناسی، تبریز: انتشارات فروغ آزادی، ص. ۱۲.

۴ عباس‌زیاب خویی (۱۳۷۴)، خاطرات، مجله تحقیقات اسلامی، نشریه بنیاد دایره المعارف اسلامی، ش. ۱۰، س. ۲۱، ص. ۲۱.

۵ اداره تلگرافی دولت علیه ایران (۱۳۰۴ق)، شماره سند ۱۱۲-۵۶۴، سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

هستند.^۱ در سال ۱۳۰۰ق. در نتیجه توسعه روابط تجاری بین طرابوزان و خوی و تبریز نوعی از تجارت توسط نماینده‌گان سیار از جمله حاج مهدی و حاج علی جلودار نیز رونق یافت. در سال ۱۳۰۲ق، میرزا محمدحسین فراهانی در سفرنامه *فقفاز-عثمانی*-مکه خود می‌گوید: «هنوز ۸۰۰ تبعه ایران در طرابوزان و اطراف آن هستند که ۵۰ تاجر، و باقی کسبه و متفرقه‌اند. و از تجار معتبر طرابوزان هشت تن را نام می‌برد که پنج تن از آنها خویی هستند (حاج ملاعلی خویی، حاج علی‌اصغر خویی، ملا ابوطالب خویی، آقامحمدعلی خویی، آقاجان خویی).^۲

حتی در اواخر قاجار هم قدرتمندترین قشر اجتماعی همین تجار بودند که کسری در این مورد می‌نویسد: «آذربایجان در بازار گانی و فرستادن کالا به کشورهای بیگانه از همه مردم ایران جلوتر می‌بودند و در همه کشور قفقاز، از تفلیس و باکو و باთوم و عشق آباد و دیگر رشته‌های بازار گانی را اینان در دست می‌داشتند. همچنین در استانبول و دیگر شهرهای عثمانی و برخی از شهرهای اروپا در بازار گانی دست گشاده داشتندی». ^۳

اوژن اوین سفیر فرانسه در ایران که در سال‌های پرتلاطم انقلاب مشروطیت در تهران بوده است، بیان می‌دارد که بازار گانان خویی تجارت پرسودی با روسیه داشتند.^۴ از اصناف ثروتمند و مرphe این دوره می‌توان به دباغان تاجر خویی اشاره نمود که در اصطلاح آن روز از آنها به عنوان حاجی یاد می‌شد.^۵

موقعیت تجاری خوی و جایگاه تجار آن باعث شده بود که پس از صدور فرمان مشروطه دوازده نماینده از اصناف مختلف آذربایجان برای تدوین قانون اساسی به تهران اعزام شوند. نماینده‌گان خوی که به جهت انتخاب انجمن ایالی به تبریز اعزام شدند عبارت بودند از: حاجی حسن آقا تاجر باشی، حاجی ملا آقا تاجر، آقای سعیدی، فتحعلی‌خان سرهنگ، لطفعلی‌خان سرتیپ، حاجی خلیل فتحی، علیزاده خویی و حاجی علی‌اصغر پارسا تاجر.^۶ بر اساس استناد در فهرست اسامی تجار خویی که در تهران به جهت دعوت برای جشن سالگرد

۱ فرخ خان، همان، ص ۳۱۶.

۲ اداره تبلگرافی دولت علیه ایران، همان، شماره سند ۷۴-۵۶۴، سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

۳ حسن فراهانی (۱۳۸۵)، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، صص ۱۰۴-۱۰۵.

۴ احمد کسری (۱۳۱۹)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص ۱۷۸-۱۷۹.

۵ اوژن اوین (۱۳۶۲)، *ایران امروز*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار، ص ۸۱.

۶ زریاب، همان، ص ۲۱.

۷ مهدی آقالسی (۱۳۵۰)، *تاریخ خوی*، تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ص ۲۹۵.

مشروطیت حضور داشتند می‌توان به مشهدی محمد خوبی و حاج کاظم خوبی اشاره کرد.^۱ انتخاب این بازرگانان به عنوان نماینده‌گان خوی برای انجمن ایالتی از متنفذ بودن آنها در بین مردم حکایت داشت.

از بخت نیک گزارش‌های چهارساله آخر عصر ناصرالدین شاه که از تلگرافخانه خوی به دربار شاه مخابره شده است وجود دارد. در این گزارش‌ها می‌بینیم که در همان سال‌ها، بازرگانان به علت تماس شغلی با جهان خارج بیدارترین طبقات بودند که در برابر تعدیات مأمورین گمرک و راهداری ایستادگی می‌نمودند و کالاهای خود را در بیابان می‌ریختند (ذیحجه ۱۳۱۰ق.). یک روز هم به خاطر اختلاف با حکومت دکان‌های خود را بسته و اعتراض می‌کردند.^۲

از سوی دیگر افزون‌طلبی مأموران مالیاتی و همچنین اخذ عوارض گمرکی پرونوسان توسط مأموران داخلی و عثمانی و بی‌قانونی سبب گردیده بود که تجار دل خوشی از حکومت نداشته باشند. به همین جهت تجار در سال ۱۳۲۸ق. طی تلگرافی به مرکز شکایت کردند^۳ که در بین این تجار می‌توان به حاجی محمد تاجر خوبی و حاجی سید حسین خوبی اشاره نمود.^۴

تولیدات خوی

قالی از جمله کالاهای تجاری بود که در این دوره از شهرتی جهانی برخوردار بود و زنان در تولید آن سهم زیادی داشتند. این محصول از طریق خوی به کشورهای اروپایی صادر می‌شد، چرا که مواد اولیه آن اعم از پشم و پنبه از خوی به دست می‌آمد.^۵ همچنین طبق گفته علی‌خان، پنبه از مهم‌ترین صادرات شهرستان خوی بود که بعد از صادرات حبوبات از آن یاد کرده است.^۶

۱ راضیه‌یوسفی‌نیا (۱۳۸۸)، *سناد تجاری ادوار اول تا پنجم مجلس شورای ملی (۱۲۱۵-۱۳۰۴ش)*، تهران: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، صص ۴۳۷-۴۴۱.

۲ ضرغام، همان، صص ۳۰-۳۱.

۳ *سناد وزارت امور خارجه (۱۳۲۸ق.)*، شماره ۱۵۶۸۵.

۴ یوسفی‌نیا، همان، ص ۱۲۶.

۵ جوچ ن. کرزن (۱۳۶۲)، *ایران و قصیه/یران*، ترجمه وحید مازندرانی، چ، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۵۹۲.

۶ میرزا علی خان امین‌الدوله (۱۳۵۴)، *سفرنامه امین‌الدوله حاج میرزا علی خان صدر اعظم*، به کوشش اسلام کاظمی‌یه، تهران: توس، ص ۴۰۹.

از دیگر تولیدات خوی می‌توان به تولیدنوعی پارچه به نام چیت اشاره نمود که در کارگاه‌های ماهوت‌بافی توسط کارگران صورت می‌گرفت.^۱ مرحوم زریاب خوبی نقل می‌کند: «شهر خوی مانند هر شهری دیگر تا اواخر قرن سیزدهم ق. شهری خودکفا بود: یعنی اگر مثلًاً چندین سال راه تجارت با خارج مسدود می‌شد مردم در مضيقه نمی‌افتادند. برای تابستان لباس‌های نخی از کرباس و متقال و قدک و برای زمستان لباس‌های پشمی از پشم گوسفند. عبابافی در خوی رایج بود و از کرک گوسفند و بز و شتر عباها اعلیٰ بافته می‌شد. کاروانسرایی مخصوص رنگرزان و قدکچیان و چیتسازان بود. چیتسازان، نقش‌های قالبی داشتند که آن را بر رنگ‌های مختلف می‌نهاشند و بعد بر روی پارچه‌های نازک متقالي می‌زدند که برای لباس زنان دهاتی و کرد و حتی شهری بود». همچنین بنا به گفته کنت گوینو، گیوه‌های پشمی و دستکش‌های خوب دستیاب و ماشین‌باف در خوی تولید می‌شد.^۲

علاوه بر آن تنگ‌های شیشه‌ای رنگ با نقش و نگار و شیشه‌های رنگی که برای پنجره‌های مشبك استفاده می‌گردید، در خوی تولید می‌شد که سیاحان به این صنعت نیز اشاره کرده‌اند.^۳ از صنعتگران خوبی در این دوره می‌توان به میرزا جبار شیشه‌چی اشاره کرد که بعد از مهاجرت به تهران کارخانه بلورسازی را تأسیس نمود.^۴ اینک نمونه‌هایی از ظروف شیشه‌ای از جمله شیشه چراغ‌های گرد سوز (به اصطلاح محلی لامپای شیشه‌ای) در موزه خوی نگهداری می‌شود.

در کنار صنایع ماهوت‌بافی و شیشه‌گری می‌توان به کارخانه ذوب مس که به آن گدارخانه می‌گفته‌اند، اشاره کرد. در بازار مسگران انواع دیگ‌ها و طشت‌ها و قابلمه‌های مسین ساخته می‌شد، به‌طوری که اثاث مسی در حکم ثروتی برای هر خانه محسوب می‌شد و تمام ادوات آشپزخانه و سفره از مس بود.^۵ صنعت مسگری خوی آنقدر مشهور بود که در

^۱ عبدالرازق بیگ، همان، ص ۱۴۳.

^۲ زریاب خوبی، همان، صص ۳۵-۳۶.

^۳ کنت گوینو (۱۳۶۷)، سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: توسعه، ص ۱۳۸.

^۴ طاهری، همان، ص ۱۳۸.

^۵ مهدی‌بامداد (۱۳۸۱)، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۱، تهران: زوار، ص ۱۰۸.

^۶ ظاهراً مقصود آن بود که مس‌های قراضه و فرسوده را از نوآب می‌کردند و صفحات مسی برای ساختن دیگ و سینی و بشقاب از آن می‌ساختند.

^۷ زریاب، همان، ص ۳۷.

شرح حال امیر کیم آمده است که حاکم خوی، محمد رحیم خان، یک یا چند دست ظرف مسی ساخت خوی را برای وی فرستاد که امیر کیم از پذیرفتن صندوق های ظروف مسی سرباز زد، چرا که آنها را محصول فرنگ تلقی کرد.^۱ چارلز استوارت ظروف مسی خوی را به علت استحکام و دوام آن که شهره عام و خاص بوده^۲ ستوده است.^۳

از فعالیت های صورت گرفته در بازار خوی در دوره قاجار می توان به اصنافبازار، سراج، عطار، کلاه دوز، چیت ساز و ساغری اشاره نمود^۴ و از صنایعی مانند شمشیر سازی، قفل سازی، دکمه سازی (که کار صنعتی خاص به نام علاقه بند بود)، شمع ریزی، عیابانی، چراغ سازی (از جنس آهن و مس و فلزات دیگر)، حلی سازی و صابون سازی یاد کرد.^۵

در مورد تولیدات کشاورزی، آثار سیاحان حاوی مطالب سودمندی درباره محصولات کشاورزی خوی است. در این آثار با عنایین محصولاتی نظیر هندوانه، سنجده، خربزه، توت، خیار و غیره برخورد می کنیم. این آگاهی ها از یک سو نشانگر دادوستدهای متنوع محصولات کشاورزی بوده، از سوی دیگر با توسعه و پیشرفت عالی کشاورزی آن ارتباط دارد. بنابراین پایه و اساس اقتصاد خوی علاوه بر تجارت، کشاورزی و باغداری نیز بوده است. اشاره ژوبیر در سال ۱۲۲۱ق. به درختان زردا لو، توت و تاک در کنار شالیزارها^۶ نکته مهمی برای شناخت تولیدات عمدۀ آن روز خوی است.

واردات خوی در دوره قاجار

از جمله کالاهایی که از طریق خوی از عثمانی به ایران وارد می شد، می توان به کالاهایی مانند محمل، پارچه ابریشمی گلدار ضخیم، پشمینه جات فرانسوی و ونیزی پارچه های حلی و دمشقی، ظروف کریستال (شامل شیشه های رنگی)، آینه و آهن، فولاد، سخت افزار، تریاک، چوب رنگرزی، رنگ قرمز روشن، سرب سفید و جواهرات اشاره نمود. از آنجا که مابه التفاوت بازرگانی این کالاهای مصرفی از نظر امپراتوری عثمانی غیرقابل قبول باقی مانده

^۱ علی اکبرهاشمی رفسنجانی (۱۳۶۳)، امیر کیم یا قهرمان مبارزه با استعمار، قم؛ دفتر انتشارات اسلامی، ص ۳۶۷.

^۲ طاهری، همان، ص ۱۳۷-۱۳۸.

^۳ مرکز اسناد آستان قدس رضوی (۱۲۷۱)، سند شماره ۹۳۰۱۶.

^۴ زریاب، همان، ص ۳۷.

^۵ ژوبیر، همان، ص ۱۱۴.

بود، سالانه مقدار قابل توجهی از مسکوکات ضرب شده از طلا به ایران فرستاده می شد و سپس از آنجا به هند صادر می گردید تا این مابه التفاوت را برای ایران در منطقه جبران کند.^۱ قند و شکر و چیت، لباس‌های پشمی روس و لهستان از راه قفقاز به آذربایجان و خوی می‌رسید. حتی نفت تصفیه شده برای چراغ‌های نفتی منازل از روسیه وارد می‌شد، زیرا آوردن نفت جنوب ایران به شمال در آن زمان مقرر نبود.^۲

ارزش واردات آذربایجان در طی سال‌های ۱۸۶۸ به مقدار ۱۳۵۱/۰۰۰ لیره و در سال ۱۸۶۹ مدر حدود ۱۵۷۵/۷۷۶ لیره و در سال ۱۸۷۰ م به ۱۰۹۴۷۱۷ لیره می‌رسید. بنابراین با توجه به ارقام گفته شده و با توجه به مقدار قلیل آن در مقابل اجناس وارداتی مذکور باید این نکته را هم خاطر نشان کرد که کار تجارت قاچاق از راه مرزهای روسیه و ترکیه نیز رواج داشت که جزو درآمدهای گمرکی محسوب نمی‌شد و شاید مقدار صادرات از این راه به همان اندازه طریق مجاز بوده باشد.^۳

صادرات خوی در دوره قاجار

طبق عایدات گمرک خانه تبریز، صادرات ایران به امپراتوری عثمانی را ابریشم، تنبکو، فرش، چرم رنگی، قرمز دانه، صمغ آمونیاک، گل زعفران، پیه، موم و خشکبار تشکیل می‌داد. علاوه بر چلوارهای انگلیسی مقدار زیادی از صادرات را فروش اسب، گوسفند و گاو توسط ایلات سرحدات تشکیل داده است.^۴ بیشتر این کالاهای از راه خوی به استانبول حمل می‌شدند و بسیاری دیگر باید مجدداً به کشورهای مختلف اروپایی صادر می‌شدند.^۵

الصادرات کالا از خوی به اروپا که از طریق بندر طرابوزان صورت می‌گرفت به قدری رونق داشت که بیش از ۲۰۰ نفر از کسبه و بازرگان ایرانی در این بندر دفاتر تجاری داشته یا به تجارت مشغول بوده‌اند. اما حاج سیاح در کتاب خود در مورد محصولات صادراتی خوی

^۱ عیسوی، همان، صص ۴۰۳-۴۱۱.

^۲ زرباب، همان، ص ۲۱.

^۳ کرزن، همان، ص ۶۷۲.

^۴ عیسوی، همان، ص ۱۷۵.

^۵ گوین همبلي؛ مترجم: منصور چهرازی و محبوبه احمدیان (پاییز ۱۳۸۹)، «مقدمه‌ای بر نظام اقتصادی ایران در اوایل عصر قاجار»، مجله نامه تاریخ پژوهان، ش ۲۳، ص ۱۹۴.

به روسیه می‌نویسد: «محصولات تجاری این شهر اجنبی مانند حیوان، پوست، روغن، خشکبار و همچنین فرش است». آنگور که به فراوانی در منطقه به عمل می‌آمد اغلب به صورت کشمش فروخته می‌شد.^۱ بنابراین به همین خاطر صادراتی که به روسیه و طرابوزان صورت می‌گرفت به صورت خشکبار بود.^۲

از مجموع صادرات به روسیه اقلام عمده شامل خشکبار، کشمکش، و زردآلو بود که زردآلوها را به قیسی تبدیل می‌کردند و در بسته‌های تجاری به خارج از کشور صادر می‌نمودند که جمع ارزش آنها تقریباً ۲۰۰۰۰ لیره در سال ۱۸۹۰ م. و در سال ۱۸۸۸ م. معادل ۲۲۲۰۰ لیره از جلگه‌های ارومیه و خوی و مراغه به وسیله تجار ارامنه روسی از راه اردبیل و آستانه و با کشتی تا بادکوبه حمل شده است.^۳ علاوه بر خشکبار از محصولات صادراتی خوی به روسیه می‌توان به پنبه، پوست و روده و حنا اشاره نمود و از تجارت‌های مهم شهر خوی تجارت پوست دباغی شده بود که بازار گنان به روسیه صادر می‌کردند.^۴

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی کلی اگر به خوی به عنوان منطقه‌ای استراتژیک نگاهی بیندازیم متوجه خواهیم شد که این شهر در منطقه خاصی قرار دارد؛ سرزمینی که در طول دوران قاجار تحت تأثیر حملات روس و عثمانی با شرایط سخت و نامطلوبی مواجه شد. از طرفی در طی این دوره مردمان تجارت‌پیشه این منطقه آموخته‌اند که چگونه به رغم دشواری خود را با عوامل مختلف تطبیق دهند که نمونه بارز آن سر برآوردن پس از دو دوره ویرانی‌های جنگ ایران و روس و نیز حمله عثمانی‌ها در طول دوره قاجار است. این شهر در هر بار آشوب و جنگ دچار وضعی نامطلوب می‌شد، با این حال خیلی زود قوام اقتصادی خود را باز می‌یافت و در مسائل اقتصادی تجارتی حضوری چشمگیر داشت؛ چرا که موقعیت راهبردی-تجاری خوی، در تلاقی ایران با عثمانی و قفقاز، این قلمرو را به گذرگاه مهمی برای عبور تجار داخلی و

۱ حاج سیاح، همان، صص ۲۵۹-۲۶۱.

۲ عیسوی، همان، ص ۳۸۸.

۳ همانجا.

۴ کرزن، همان، ص ۶۷۲.

۵ زریاب، همان، ص ۲۱.

خارجی مبدل ساخته بود. این همان مقوله‌ای بود که حکمرانان منطقه تا پایان حیات سیاسی خویش در دوره قاجاریه به آن توجه می‌کردند، به‌طوری که اقتصاد شکوفا و فعالیت بازرگانی پویا بازترین ویژگی خوی در دوره قاجار قبل مشروطه است. براساس نظریه‌های توسعه منطقه‌ای بخشی از توسعه خوی و فضیلت آن نسبت به سایر مناطق از جنبه توان منابع آن حاصل می‌شد. استعداد منابع منطقه‌ای این توان را به خوی می‌داد که به منزلة الگوی منطقه‌ای توسعه یابد و به لحاظ اقتصادی-بازرگانی مطرح باشد. به‌طوری که در دوره مزبور، به علت نزدیکی راه‌های تجاری از طریق عثمانی به اروپا، بازرگانان ایرانی علاقه‌افزایی به صدور کالای خود از طریق خوی به طرابوزان داشتند.

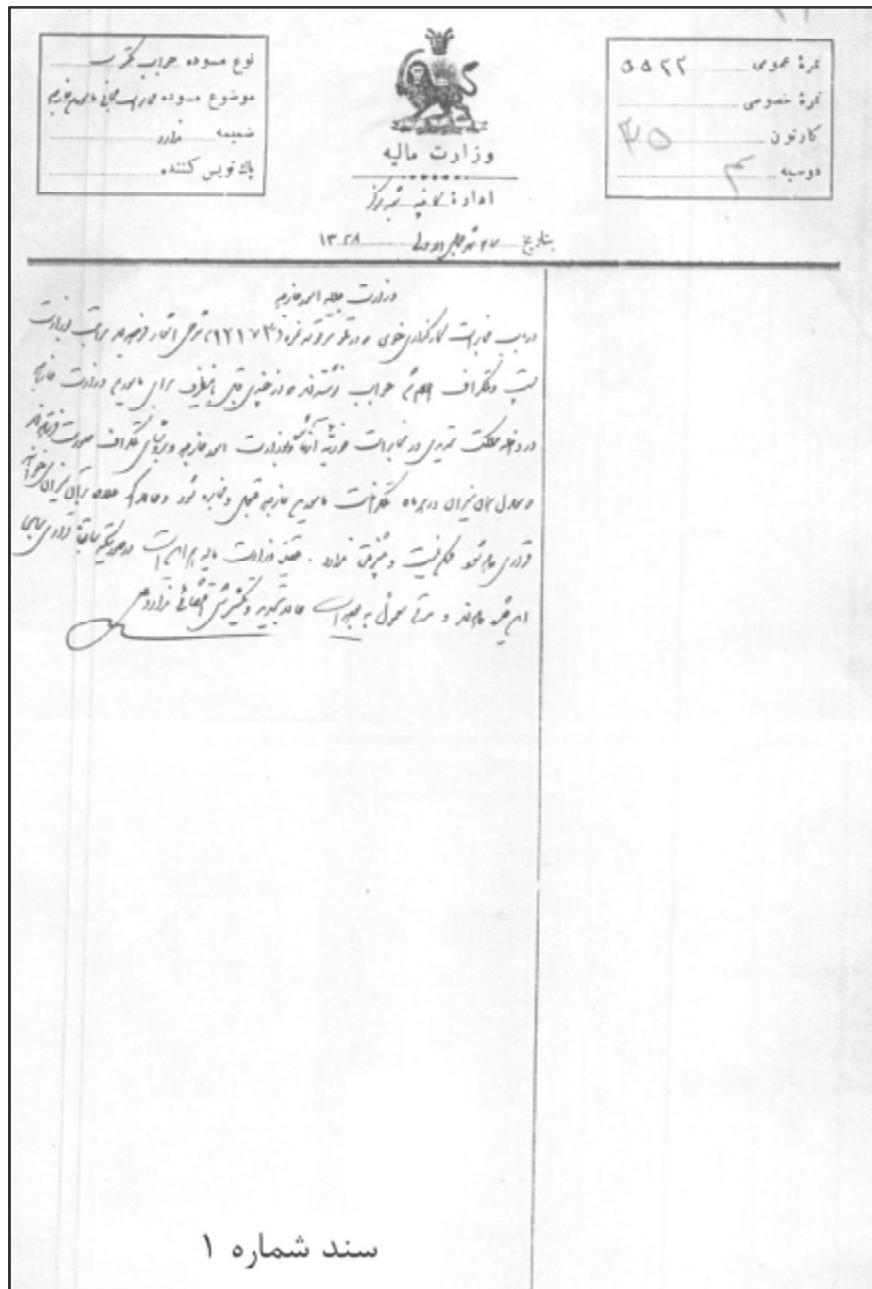
به سبب اهمیتی که شهر خوی از نظر اقتصادی در منطقه داشت، تا سال ۱۳۲۲ ش. مرکز گمرک شمال‌غرب ایران بود. هر یک از جهانگردان در یادداشت‌های خود از شهر خوی به عنوان شهری غنی و تجاری یاد کرده‌اند که این امر از رونق بازار و اقتصاد مرتفه آن حکایت دارد. علاوه بر آن خوی به‌خاطر مرکزیت اقتصادی از قدیم دارای کاروانسراهای متعددی جهت تخلیه کالا و استراحت بازرگانان بود. همچنین این شهر به‌علت تجاری بودن به داشتن سکه‌های سیم و زر معروف بود. در خصوص تجارت، بیشتر بازرگانان ایرانی در شهرهای طرابوزان، استانبول، باکو، قفقاز و غیره از مردم خوی بودند و حتی در اوخر قاجار هم قدرتمندترین قشر اجتماعی همین تجار بودند که در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی جایگاه والایی داشتند.

با این حال ضعف اقتصادی و سیاسی از اوخر دوره ناصرالدین شاه که بخشی از آن به رکود اقتصادی و سیاسی خود حکومت مرکزی و بخشی نیز به دلیل فقدان حکمرانانی مقتدر پس از مظفرالدین شاه باز می‌گشت، فرصت‌های زیادی برای عثمانی و روس در امور داخلی خوی فراهم آورد. به آتش کشیدن بازار خوی، شورش اکراد در منطقه، سرق‌ت اموال و غیره از مهم‌ترین مصادیق این ادعای است. باید گفت رابطه وثیقی بین آشفتگی‌های مرکز و وضعیت اقتصادی مناطق پیرامون از جمله خوی وجود داشت. هرگاه مرکز دچار آشفتگی و جنگ و اشغال بود، پیرامون نیز راه به قهقرا می‌برد. بر عکس ثبات در مرکز به توسعه و رونق خوی نیز انجامیده است.

منابع و مأخذ

- آقاسی، مهدی (۱۳۵۰)، *تاریخ خوی*، تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- امین‌الدوله، فرخن مهدی (۱۳۴۶)، مجموعه استاد و مدارک فرش خان امین‌الدوله، تهران: دانشگاه تهران.
- امین‌الدوله، میرزا علی‌خان (۱۳۵۴)، *سفرنامه امین‌الدوله حاج میرزا علی خان صدر اعظم*، به کوشش اسلام کاظمی، تهران: توسعه.
- امین‌الشرع، ابوالقاسم [بی‌تا]، *حکایات*، به کوشش علی‌صدر ایوبی، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- اوین، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- بامداد، مهدی (۱۳۸۱)، *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*، تهران: زوار.
- براون، ادوارد (۱۳۵۱)، *نامه‌هایی از تبریز*، ترجمه حسن جوادی، تهران: خوارزمی.
- ترابی طباطبایی (۱۳۷۱)، *سکه‌های ماشینی و مقدمه‌ای بر سکه‌شناسی*، تبریز: انتشارات فروغ آزادی.
- تمدن، محمد (۱۳۵۰)، *اوپرای ایران در جنگ اول یا تاریخ رضائیه*، تهران: انتشارات مطبوعاتی تمدن.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۷۶)، *گنج شایگان*، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- جهانگیر میرزا (۱۳۲۷)، *تاریخ نو*، تهران: انتشارات علمی.
- حاج سیاح (۱۳۵۶)، *حکایات*، به کوشش حمید سیاح، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خورموجی، محمدجعفر (۱۳۴۴)، *حقایق‌الاخبار*، تهران: زوار.
- دیانت، ابوالحسن (۱۳۶۷)، *فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها*، تبریز: نیما.
- ریاحی، محمد امین (۱۳۷۲)، *تاریخ خوی*، تهران: انتشارات توسعه.
- زریاب خوبی، عباس (۱۳۷۴)، «*حکایات*»، مجله تحقیقات اسلامی، نشریه بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ش ۱۰، ۲، س ۱۰.
- ژوبر، پیر آمده (۱۳۴۷)، *مسافرت به ارمنستان و ایران*، ترجمه محمود مصاحب، تبریز: انتشارات سپهر.
- شهبازی، داریوش (۱۳۸۰)، *تاریخ سکه (دوره قاجاریه)*، تهران: پلیکان.
- شیخ‌الاسلام، عبدالامیر (۱۳۵۶)، *دو سند از انقلاب مشروطه*، تهران: توکا.
- ضرغام، شهریار (۱۳۶۹)، *گزارش‌های تلگرافی آخرین سالهای عصر ناصرالدین شاه*، تهران: انتشارات پوریا.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۴۷)، *جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران و آذربایجان از نظر جهانگردان*، تهران: [بی‌نا].
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آزاد، تهران: نشر گستره.
- فراهانی، حسن (۱۳۸۵)، *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- کاویان‌پور، احمد (۱۳۴۶)، *تاریخ عمومی آذربایجان*، تهران: موسسه انتشارات آسیا.
- کرزن، جورج ن. (۱۳۶۲)، *ایران و قصبه ایران*، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

- کسری، احمد (۱۳۱۹)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیر کیم.
 - گوبینو، کنت (۱۳۶۷)، سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: انتشارات توسعه.
 - مستوفی انصاری، مسعود (۱۳۴۹)، *تاریخ زندگی عباس میرزا*، تهران: انتشارات مستوفی.
 - مشیری، محمد (۱۳۵۱)، *سکه‌های آقا محمد خان قاجار و پسرش محمد حسن خان قاجار*، تهران: گوتنبرگ.
 - مفتون دنبی، عبدالرازاق بیگ (۱۳۵۱)، *آثار السلطانیه*، به اهتمام صدری افشار، تهران: ابن سينا.
 - ملا عباسزاده، عباس (۱۳۸۹)، «کوچه‌های قدیم خوی»، *مجله خوی نگار*، ش. ۶.
 - موریه، جیمز (۱۳۸۶)، *سفرنامه (سفری به ایران، ارمنستان و آسیای صغیر)*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توسعه.
 - مهریار، محمد (۱۳۷۸)، *اسناد تصویری شهرهای ایران*، تهران: سازمان میراث فرهنگی، دانشگاه شهید بهشتی.
 - مهندس الملک، رضاخان (۱۳۴۱)، *کتاب جغرافیای ایران*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
 - نادر میرزا (۱۳۵۱)، *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، تهران: کتابخانه اقبال.
 - نصرت ماکویی، محمدرحیم (۱۳۷۳)، *تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین ماکو*، قم: انتشارات علمیه.
 - نصیری، بهروز (۱۳۸۰)، *خوی در گذر زمان*، خوی: انتشارات قراقوش.
 - هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۶۳)، *امیر کیمیر یا قهرمان مبارزه با استعمار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 - هدایت، رضاقلی خان (۱۳۳۹)، *روضه الصفا ناصری*، تهران: خیام.
 - همبانی، گوین؛ مترجم: چهرازی، منصور و احمدیان، محبوبه (پاییز ۱۳۸۹)، «مقدمه‌ای بر نظام اقتصادی ایران در اوایل عصر قاجار»، *نامه تاریخ پژوهان*، ش. ۲۲.
 - یوسفی‌نیا، راضیه (۱۳۸۸)، *اسناد تجاری ادوار اول تا پنجم مجلس شورای ملی (۱۲۸۵-۱۳۰۴)*، تهران: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- Colonel Stuart (1854), *Journal of a residence in northern Persia*, London.

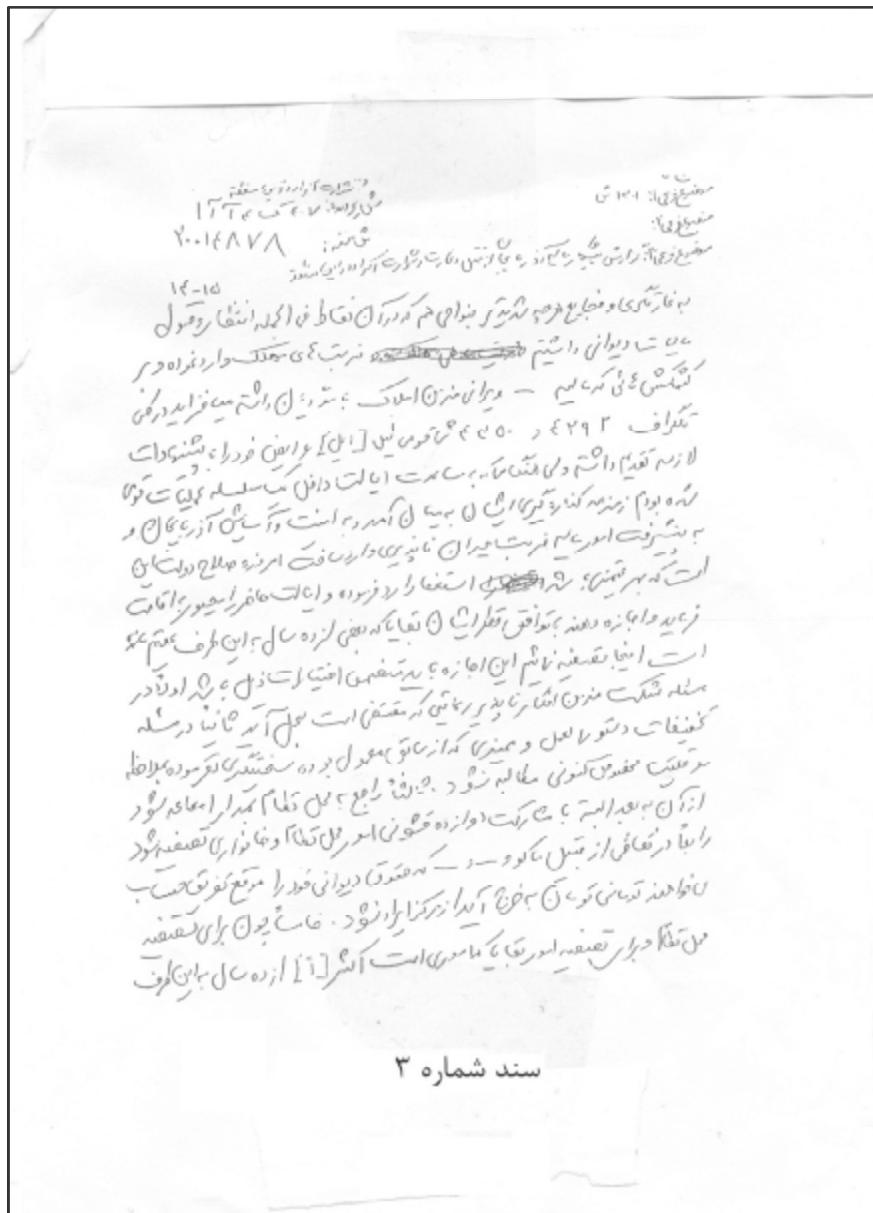


مبلغ ۷۵۰۰ خودی
مبلغ ۲۹۹۸۳: مبلغ ۱۰۰۰۰: مبلغ ۲۹۹۸۳
مبلغ ۴۰۰: مبلغ ۲۹۹۸۳
مبلغ ۶۰۰: مبلغ ۲۹۹۸۳
مبلغ ۲۹۹۸۳: مبلغ ۱۰۰۰۰: مبلغ ۲۹۹۸۳

جواز دادن
جواز دادن
جواز دادن

۱۰۷- لست جلسه تعلیم و فصل نظران سلسله ای از کارست خود رفته توخط
حفرت چهار سالگی، آن را با عالم اسلام فصل مسکون در است و مادر خود را در
سازمان امنیت آغاز خلخال خرم عالی زبانه است \circ ۱۰۸- هنوز کسری برای پنهان
لذت در این اتفاق نمیتواند نهاده است مقتضیه ایجاد خود را ذکر میکند \circ

سند شماره ۲

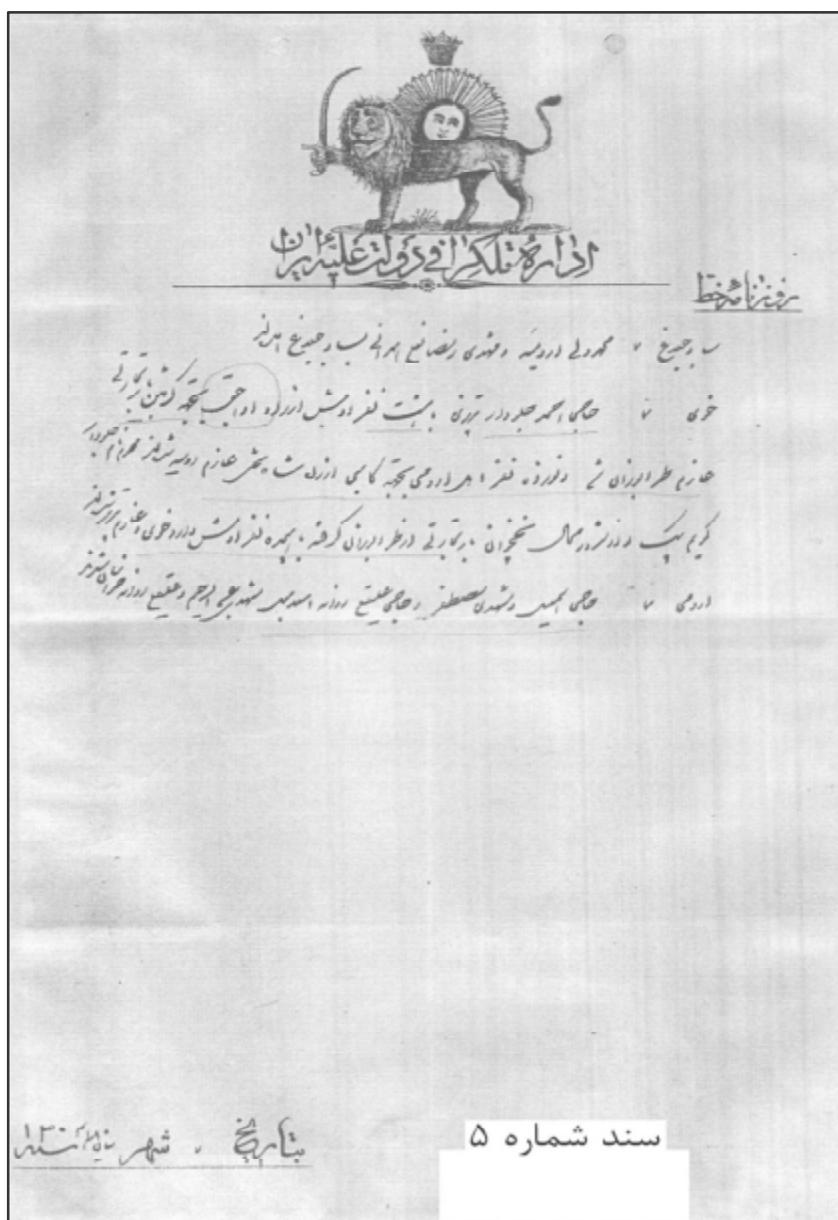


سند شماره ۳

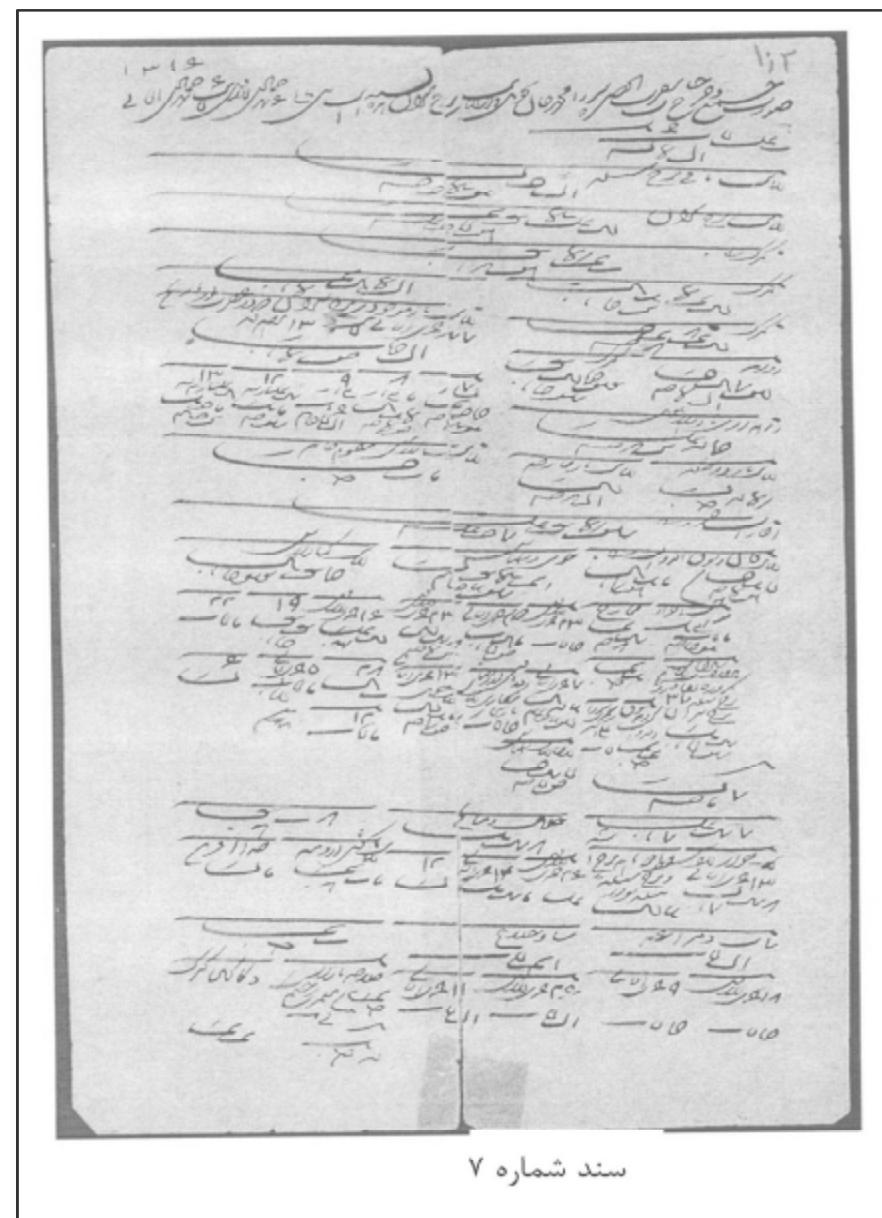
دہلی ۱۰
مکانی ۱۰۰۰
جتنی ۱۰۰۰
۱۰۰۰ مکانی
۱۰۰۰ مکانی

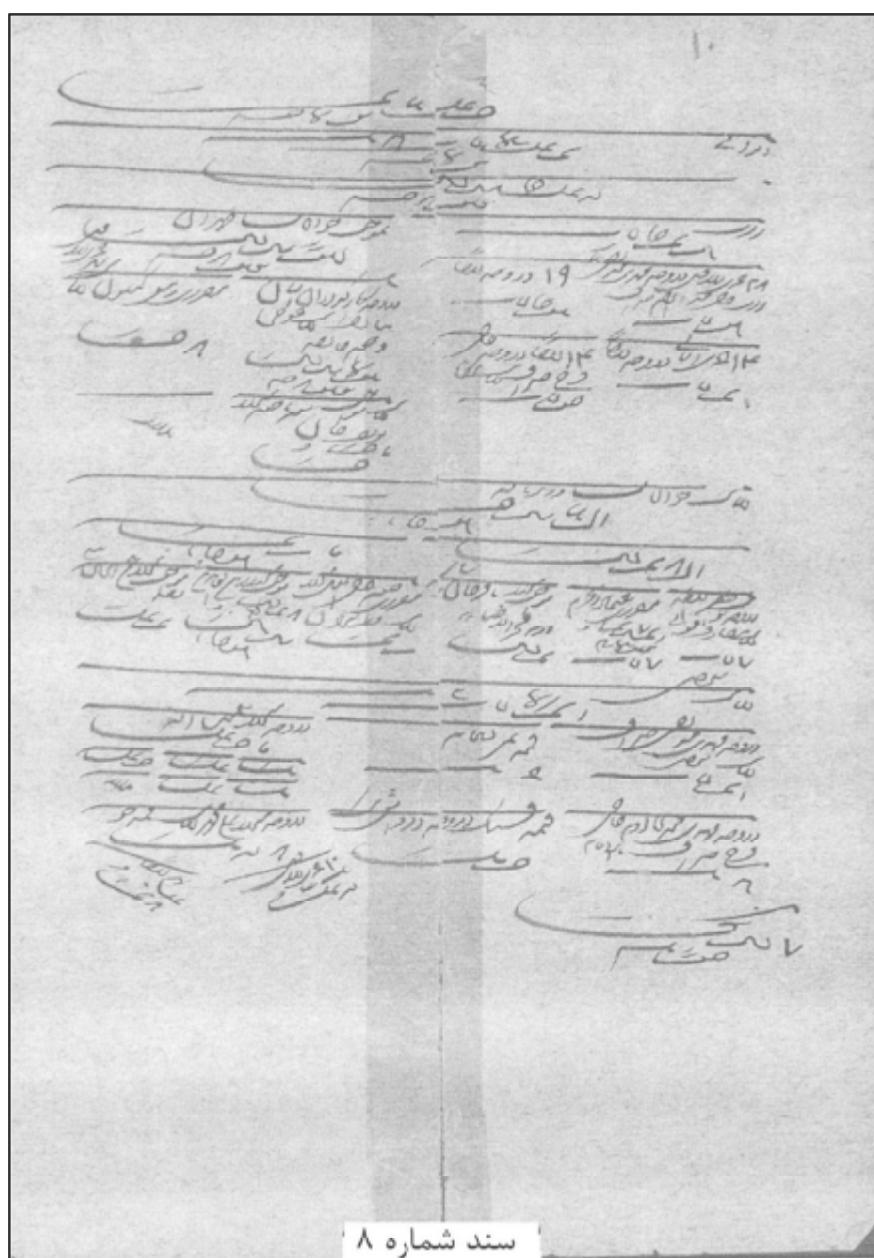
دستگل اندیکا کاره را است غیر از فرقه الاده لر و سرت خرج سردار فوی افاده مادر و زاده
علیه دعوه هنر و خرج سرت خواجه بنی شاه (که در بودجه ازدواج) بـ چونه سپسی بینه فرمه
است خواجه در بودجه ازدواج داشت که ایام و وزارت نفت را تجویل آذنه اهل معصوم
آن است که به این کمالات و فتوحه کار را کشیده ای - ای علیه شاه! مرادیم نیز سردار
دستگل تحقیق نمود لهره را با مذاہفم دفاتر و دکتر را مطلع شد لعی داده داد
اسکن طالب بعد اجازه فرخن با تکریب ایوات افزای او سفر و پیوی در

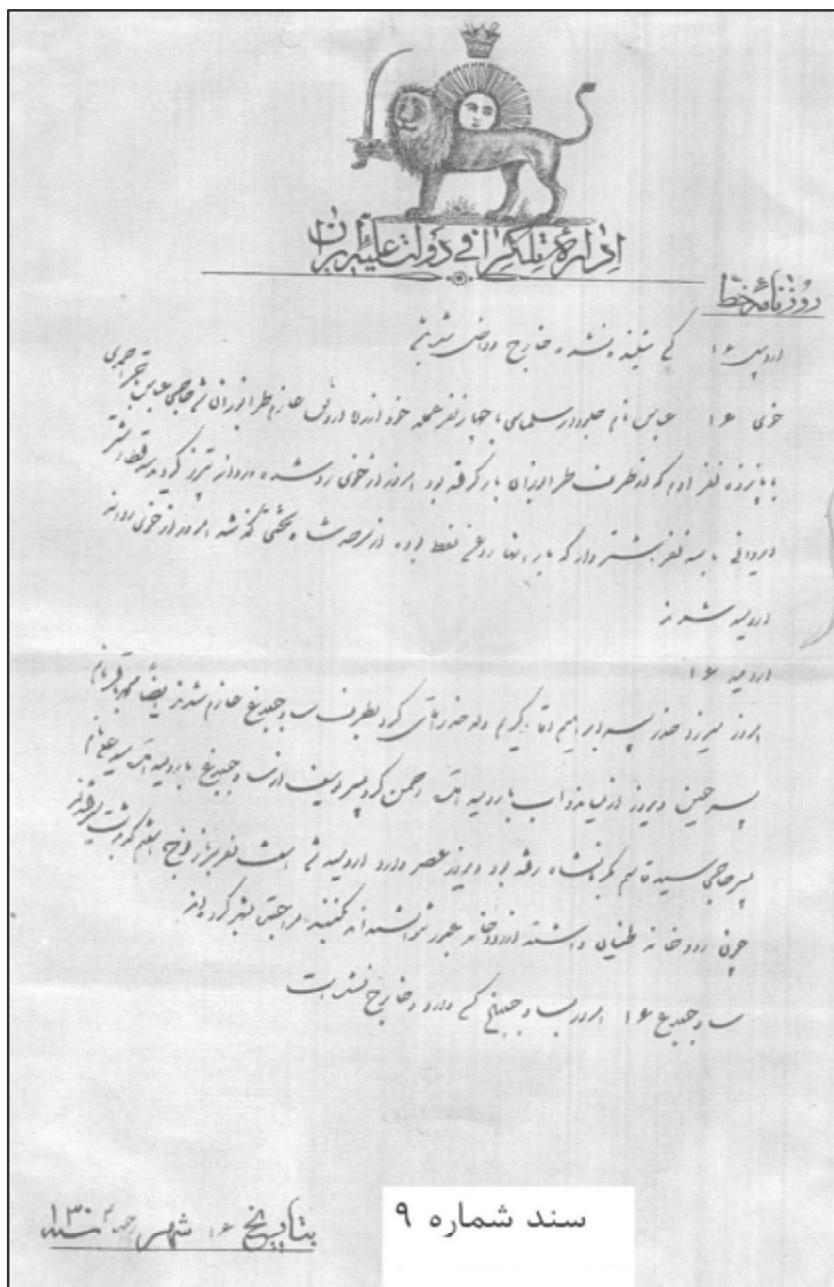
سند شماره ۴

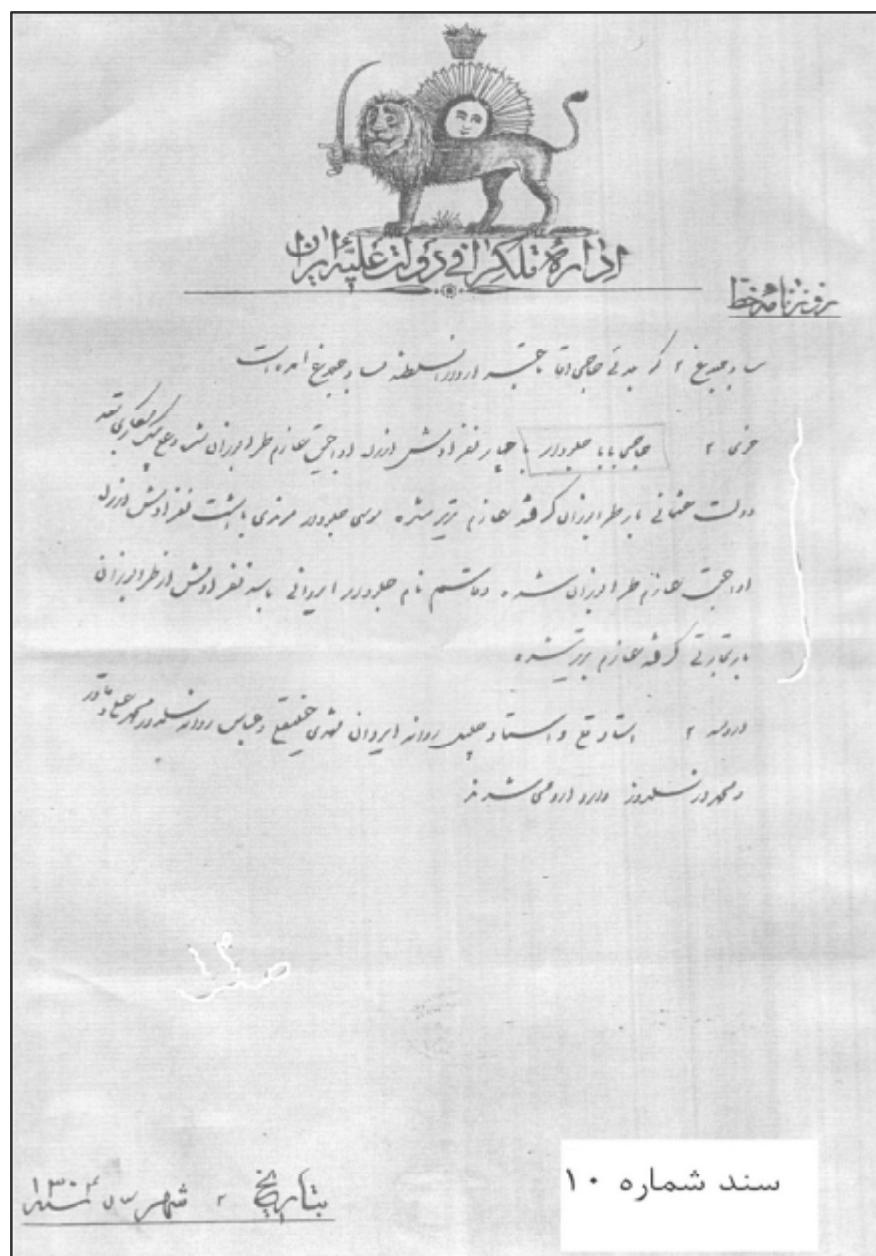


سند شماره ۶









A decorative illustration of a vase with flowers, positioned above the title page.

وزارت امور خارجه
اداره ہنر و ادب
موزو عہدہ میراث اسلامی
تاریخ ۱۵ نومبر ۱۹۷۸ء

بیان می شود و وزارت مالی
۱۳۷۶ شعبان ۱۲

شروع خود رفته هر چهار زاده داشت مبتدا
خوبی داشت اما کندو خوبی را در خود نداشت اگرچه از این
دو گرفت هنوز نمی‌داند میداند که شاید از این دو گرفت
رویده است برای اینکه این طبع همچنان داشتند
خوبی داشتند و دوچندی بعد از آن داشتند
که داشتند خوبی داشتند اینها که داشتند خوبی
که داشتند خوبی داشتند اینها که داشتند خوبی
و داشتند خوبی داشتند اینها که داشتند خوبی

سند شماره ۱۱

